گزارش خبری

کارگران از پزشکیان چه می‌خواهند؟

شرق: با پایان رقابت‌های انتخاباتی و مشخص‌شدن رئیس جدید دولت حالا گروه‌هایی که در چند سال اخیر با چالش‌های معیشتی و صنفی مواجه بودند، مشغول طرح سؤالاتی درباره خواسته‌های‌شان هستند. یکی از بزرگ‌ترین این جوامع کارگران ایرانی هستند که در سال‌های اخیر فشارهای اقتصادی زیادی تحمل کرده‌اند.

حسین حبیبی، مطالبات کارگران از دولت چهاردهم را برشمرد. به گفته او حق تشکل‌یابی و برخورداری از امنیت شغلی از مهم‌ترین خواسته‌های طبقه کارگر ایران است. حسین حبیبی، عضو هیئت‌مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، با بیان اینکه «حضور هوشمندانه مردم و کارگران در انتخابات ۱۵ تیر، منجر به انتخاب مسعود پزشکیان به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران شد»، خطاب به رئیس دولت چهاردهم گفت: مردم و کارگران به شما اعتماد کرده و انتخاب‌تان کردند تا از حقوق‌شان دفاع کنید. شما وفق اصل ۱۲۱ قانون اساسی سوگند خواهی خورد که به‌عنوان رئیس‌جمهور، خود را وقف مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق و پشتیبانی از حق و گسترش عدالت (که می‌رود تا فراموش شود) بکنید و از هرگونه خودکامگی بپرهیزید و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است، صیانت کنید. او خطاب به رئیس‌جمهور جدید مطالبات کارگران را برشمرد: قبل از هر چیز، به قانون اساسی به‌ویژه فصل سوم حقوق ملت (اصول ۱۹ الی ۴۲) عمل کنید و به تشکیل دادگاه قانون اساسی اقدام کنید تا هر مسئول و دستگاهی که به تکالیف روشن قانون اساسی عمل نکرد، در این دادگاه محاکمه و مجازات شود.

حبیبی افزود: درباره افزایش چتر حمایتی باکیفیت در حوزه بیمه و درمان مانند حوادث و بیماری، بارداری، ارائه درمان رایگان از صفر تا صد و همچنین غرامت دستمزد، ازکارافتادگی، مرگ و بازنشستگی اقدام کنید، چراکه سازمان تأمین اجتماعی به واسطه حق بیمه‌های واریزی کارگران و بیمه‌شدگان شکل گرفته و متعلق به دولت نیست. باید بیمه‌شدگان از خدمات مکفی برخوردار باشند. این فعال کارگری با بیان اینکه «امروز کارگران در حوزه روابط کار مانند انسان‌هایی هستند که در یک کویر خشک و بی‌آب و علف، زندگی سخت و دردناکی را تجربه می‌کنند، چراکه از امنیت شغلی و اصل آزادی و حاکمیت اراده در عقد قرارداد کار و همچنین قراردادهای دائم در کارهایی که طبیعت آنها جنبه مستمر دارد، محروم مانده‌اند» ادامه داد: ما کارگران از شما انتظار تأمین واقعی امنیت شغلی و برقراری اصل آزادی در انتخاب شغل وفق اصل ۲۸ قانون اساسی را داریم تا در عمل جلوی بهره‌کشی از نیروی کار گرفته شود. به گفته حبیبی به ایلنا، دولت چهاردهم باید از هرگونه اصلاح در قانون کار و قانون تأمین اجتماعی که منجر به کوچک‌شدن چتر حمایت از کارگران می‌شود، اجتناب کند.

عضو هیئت‌مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور خطاب به مسعود پزشکیان گفت: از تشکیل و فعالیت تشکل‌های آزاد کارگری بدون دخالت دولت و کارفرما وفق اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی حمایت کنید و مانع اعمال حاکمیت دولت و کارفرمایان در امور تشکل‌های صنفی و مدنی شوید. درعین‌حال به برقراری حق برگزاری تجمعات، اعتراضات صنفی و راهپیمایی که حق قانونی موضوع اصل ۲۷ قانون اساسی است و تخصیص یک مکان عمومی برای تجمعات، اقدام کنید. این فعال کارگری افزود: علاوه بر اینها، باید به پیوستن ایران به مقاوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار مبنی بر داشتن حق مذاکرات و تشکل‌های آزاد و مقاوله‌نامه ۱۵۸ سازمان جهانی کار با موضوع جلوگیری از اخراج کارگران به علت کاندیداشدن و به عضویت درآمدن در تشکل‌های کارگری و شکایت از کارفرما و همچنین جلوگیری از اخراج به علت تمایلات مذهبی و سیاسی، قومیتی و جنسی و همچنین مسائلی مانند بارداری اقدام کنید. یک اقدام عاجل نیاز است تا شرایط به‌سرعت تغییر کند. او با تأکید بر اینکه «کارگران از گفتاردرمانی و وعده درباره افزایش دستمزد و جبران عقب‌ماندگی‌های آن رنجیده‌خاطر هستند، به‌ویژه از شرایط ناعادلانه‌ای که در مذاکرات مزدی در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ حاکم بود» تصریح کرد: جناب پزشکیان، کارگران از شما انتظار دارند از دستمزد شرافتمندانه و عادلانه که منجر به افزایش قدرت خرید کارگران در زمان اشتغال و بازنشستگی می‌شود، تمام‌قد حمایت کنید. دستمزد باید مطابق نرخ تورم رسمی و رقم سبد معیشت حداقلی تعیین شود اما شوربختانه در سال‌های اخیر، دولت اصلی‌ترین مانع در مسیر اجرای قانون بوده است؛ این رویه را از اساس دگرگون کنید.

«مسکن» یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امروز کارگران شاغل و بازنشسته در سراسر کشور است که حسین حبیبی در بخشی دیگر از صحبت‌هایش به آن اشاره می‌کند «تأمین مسکن وظیفه دولت است» و به گفته حبیبی، دولت باید وفق اصل ۳۱ قانون اساسی در راستای خانه‌دارکردن کارگران و تأمین سرپناه متناسب اقدام عاجل کند، چراکه کارگران با این حقوق‌ها به‌هیچ‌وجه قادر به تهیه مسکن و سرپناه نخواهند بود و به تبع آن جرئت تشکیل خانواده نیز نخواهند داشت. او با تأکید بر اینکه «رئیس‌جمهور باید در تعیین و معرفی وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی و عزل و برکناری او و همچنین انتصاب و برکناری مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی از کارگران و تشکل‌های کارگری نظرخواهی کند» تصریح کرد: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با هدف و مأموریت اجرای قانون کار و تأمین اجتماعی در راستای حمایت از کارگران و تنظیم روابط کار شکل گرفته اما تاکنون به‌ویژه در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ به‌هیچ‌وجه موفق به انجام این مأموریت کلیدی نشده است. حبیبی در پایان، حرف آخر خود را خطاب به رئیس‌جمهور منتخب این‌گونه جمع‌بندی کرد: «جناب آقای مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور منتخب مردم، شما پزشک جراح هستید و سال‌ها نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی بودید؛ پس به اندازه کافی تجربه در تشخیص و درمان دردها و بیماری‌ها دارید. امیدواریم ملت ایران به‌ویژه کارگران را از اعتمادی که به شما کرده‌اند، هرگز پشیمان نکنید که آن وقت اطمینان داشته باشید در اعتراض و مخالفت با شما و برکناری‌تان لحظه‌ای درنگ نخواهیم کرد».

عکس: رسول عزیزی، میزان

فعالان حوزه زنان از شرایط بند زنان زندان رشت می‌گویند

در زندان لاکان چه می‌گذرد؟

منیژه مؤذن

در نزدیکی شهر رشت منطقه لاکان در جاده‌ای قدیمی ساختمان زندانی دیده می‌شود که نامش «زندان لاکان» است. نمای بیرونی‌اش شبیه هر زندان دیگری است، با دیوارهای بلند و سیم‌های خاردار. ساختمانش همخوانی چندانی با سرسبزی گیلان ندارد. اما در دل دیوارهایش قصه‌های بی‌شماری جریان دارد؛ قصه‌هایی مثل داستان «ف»، زن ۶۰ساله‌ای که حالا چهار سال است در لاکان حبس می‌کشد و مسئول جاروی هواخوری است و روایت‌های زیادی از خانه زیبای روستایی‌اش دارد. «م» به جرم حمل مواد مخدر در زندان لاکان است و در حال سپری‌کردن دوران محکومیت سه‌ساله‌اش است. برای مرخصی فیش حقوقی لازم دارد اما به آن دسترسی ندارد. این اولین باری نیست که حبس می‌کشد. راویان زیادی تلاش کرده‌اند لاکان را برای جهان بیرون از دیوارهای محصورش شرح دهند. این گزارش شرحی مختصر است از آنچه در زندان لاکان رشت می‌گذرد.

براساس گزارش‌های رسمی، بند زنان زندان لاکان رشت در سال ۱۳۸۶ افتتاح شده است. در بند زنان این زندان چیزی حدود ۱۵۰، ۱۶۰ زندانی زن وجود دارد. لاکان خانه زنانی است که با جرائم مختلف، بدون اصل تفکیک جرائم روزگار خود را در میان دیوارهای بلندش می‌گذرانند. زندانی‌هایی که مجازات در لاکان را تجربه کرده‌اند، می‌گویند از آنچه دیگر زندانی‌ها در زندان‌های برخی شهرها برخوردارند، محروم بوده‌اند. گویی لاکان جهانی است دورافتاده و فراموش‌شده. حالا بند زنان زندان لاکان شاهد ورود چندین زندانی جدید خواهد بود. فعالان زنان گیلان که در مجموع ۶۱ سال حکم گرفته‌اند، به‌زودی برای گذران دوره محکومیت خود به لاکان می‌روند. تجربه این زنان و بسیاری از زنان زندانی دیگری که دوران زندان موقت یا محکومیت خود را در بند زنان زندان لاکان رشت گذرانده‌اند، شاید برای تغییر آنچه لاکان را به محرومیت گره زده، راهی بگشاید.

ساختمان زندان لاکان به شکل یک دایره است و در این دایره چهار سوئیت وجود دارد. هر سوئیت گنجایش ۲۵ تا ۳۰ زندانی را با تخت‌های دوطبقه دارد. دو سوئیت یک هواخوری مشترک دارد. یک سوئیت هواخوری مجزا دارد و سوئیت چهارم بند قرنطینه است که از بقیه بندها جدا شده است. زندانی‌های تازه‌وارد را به بند قرنطینه می‌برند و یک هفته نگه می‌دارند و بعد به سوئیت‌های دیگر می‌فرستند. در این سوئیت‌ها به گفته زندانیان اصل تفکیک جرائم رعایت نمی‌شود و زندانی‌ها با جرائم مختلف در این اتاق‌ها نگهداری می‌شوند. این در حالی است که براساس آیین‌نامه اجرائی سازمان زندان‌ها اصل تفکیک جرائم در نظر گرفته شده است.

در دی ماه سال ۱۴۰۰ سازمان زندان‌ها بخش‌نامه‌ای را درباره حقوق زندانیان منتشر کرد. در بند دوم دستورالعمل جدید سازمان زندان‌ها که سال ۱۴۰۰ منتشر شده، به بحث ضرورت طبقه‌بندی زندانیان و حتی تفکیک زندانیان جوان از زندانیان بزرگسال پرداخته شده است.

امکاناتی که در چهار سوئیت بند زنان زندان لاکان وجود دارد، شامل یخچال، تلویزیون، دستشویی و حمام است و هیچ فضای مجزایی برای آشپزخانه وجود ندارد.

لازم، اما دور از دسترس

فروغ سمیع‌نیا سال ۱۴۰۲ به مدت یک ماه در بند عمومی زندان لاکان در بازداشت موقت بود. او یک بار دیگر هم در سال ۱۳۹۸، ۲۰ روز را در لاکان گذرانده است.

کالاهای بهداشتی جزء اقلامی است که باید هنگام ورود، به زندانی داده شود. به گفته سمیع‌نیا «زندان طبق قانون باید یک‌سری کالای بهداشتی را به زندانی بدهد. مثل پد بهداشتی، شامپو، صابون، مسواک و خمیردندان. اما عملا برای همه کالاهای بهداشتی این وضعیت وجود نداشت. مثلا پد بهداشتی صرفا در قسمت قرنطینه زندان آن‌هم به صورت محدود وجود داشت. صابون مایع بود. موقع ورود به زندان یک مسواک و خمیردندان به زندانی می‌دادند و دیگر عملا حتی اگر دو سال هم آنجا می‌ماندی، چنین چیزی به تو تعلق نمی‌گرفت. مثلا مسئله‌ای که سر ژیلت وجود داشت، این بود که ژیلت در زندان ممنوع بود. باید یک مسئول بهداشت اتاق، ژیلت‌ها را نگه می‌داشت و هفته‌ای یک بار به زندانی می‌داد. این ژیلت در فروشگاه وجود نداشت که بتوانی حتی با پول بخری. ژیلت را قسمت بهداشت زندان یعنی قسمت بهداری بین زندانی‌ها می‌آورد. ممکن بود یک ماه یا دو ماه زندان باشی و بهداری اصلا ژیلت نیاورده باشد.

خود من یک ماه آنجا بودم و آخرین روزی که در زندان بودم، آن‌هم با کلی داد و بیداد به من ژیلت دادند. زندانی‌هایی بودند که می‌گفتند ما دو یا سه ماه است که اینجا هستیم و نتوانسته‌ایم ژیلت بگیریم که این واقعا کاملا به بهداشت فردی ارتباط دارد و زندان هم برایش کاری نمی‌کرد. بقیه وسیله‌ها مثل شامپو و صابون را باید از فروشگاه زندان خریداری می‌کردی. مسئله دیگری که وجود داشت، کیفیت بد خمیردندان یا شامپویی بود که در ورود ممکن بود به زندانی تعلق بگیرد. می‌گفتند اگر چیز بهتری می‌خواهی، باید پول بدهی و از فروشگاه بخری. در فروشگاه هم چندان کالاهای باکیفیتی نبود اما از کالاهایی که زندان می‌داد، یک درجه بالاتر بود. این وضعیت بهداشتی زندان بود. در حقیقت می‌توان گفت که به لحاظ حمایت زندانی از طریق زندان، بسیار ضعیف بود. زندان عمومی بود و خیلی‌ها ملاقاتی نداشتند و اگر هم داشتند، طرف پولی نداشت که برای آنها واریز کند و زندانی بی‌پول عملا از امکانات بهداشتی محروم بود. یا مثلا زندانی‌های دیگر پول می‌گذاشتند تا برخی اقلام بهداشتی را خریداری کنند تا از خودشان هم محافظت کنند چون به هر حال زندگی جمعی است. محیط زندان هم با همت خود زندانی‌ها تمیز می‌شد».

براساس بخش‌نامه سازمان زندان‌ها، زندان مکلف به تهیه وسایل بهداشتی برای زندانیان زن است.

زهره دادرس سال ۱۴۰۲، ۳۸ روز در زندان لاکان رشت در بازداشت موقت بود. تجربه او نیز از زندان لاکان تأکیدی بر محرومیت‌های بسیار است.

زهره بندهای زندان را این‌گونه توصیف می‌کند: «زندان لاکان دارای چهار بند بود. هر بند سه یا چهار دستشویی و یک یا دو دوش حمام داشت. حمام بند کوثر در نداشت و یک پارچه وصل کرده بودند. علاوه‌براین یک سرویس حمام مشترک برای همه بندها هم بود که برای ساعات محدودی امکان استفاده از آن وجود داشت. فکر می‌کنم حدودا ۱۰ تا حمام داشت اما فقط چهار یا پنج تا از آنها دوش داشتند و بقیه خراب بود یا دوش و پیچ آب نداشت. سیستم فاضلاب مشکل جدی داشت و چاه فاضلاب مدام می‌گرفت. دستشویی بندهای کانون و کوثر (دو بند که من در آن بودم) آب گرم نداشتند.

بسیاری از بچه‌های بند ما از عفونت و قارچ رنج می‌برند و خود من هم عفونت را در روزهای آخر تجربه کردم. مددجوها درخواست داده بودند برای دکتر متخصص زنان و چشم‌پزشک. ولی می‌گفتند چند سال است که درخواست می‌دهیم، ولی نمی‌آورند.

سرویس بهداشتی هر روز دو بار به دست خود زندانی‌ها شسته می‌شد. بیشتر افراد داخل بند هم هر روز یا یک روز در میان حمام می‌کردند و وکیل بند این مسئله را به افراد تذکر می‌داد. ژیلت یک‌بارمصرف برای شیو هم هرازگاهی از طرف مرکز بهداشت به وکیل بند داده می‌شد، تا قبل استحمام به افراد تحویل بدهند و از آنها بگیرند و برای دفعات بعد به آنان بدهند. هر ژیلت چند بار استفاده می‌شد».

وجود آشپزخانه در زندان و امکان آشپزی و دسترسی به مواد غذایی کافی و سالم نیز مسئله‌ای است که در لاکان رعایت نمی‌شود. به گفته فروغ سمیع‌نیا تنها یک سینک ظرف‌شویی در همان فضای دستشویی وجود دارد که زندانی‌ها باید ظرف‌های‌شان را همان‌جا بشویند. «برای کل بند زنان زندان لاکان یک آشپزخانه وجود دارد. در این فضایی که به آن آشپزخانه گفته می‌شود، فقط چهار شیر آب وجود دارد که می‌توانند قابلمه‌های بزرگ را در آنجا بشویند و سماور که با آن چای گذاشته شود. حتی یک اجاق گاز وجود ندارد. زندانی نمی‌تواند حتی یک نیمرو درست کند. اصلا امکانی به‌عنوان اجاق گاز برای آشپزی‌کردن حتی به صورت محدود هم وجود ندارد. از طریق سماور بزرگی که در محوطه است، هم یک بار صبح و یک بار بعدازظهر برای زندانی‌ها در فلاسک چای می‌فرستند، همین. مثلا این‌طور نیست که هر وقت بخواهی بتوانی از چای استفاده کنی».

به دلیل نبود آشپزخانه و امکان آشپزی شرایط تغذیه زندانیان هم یکی از معضلات است.

کیفیت غذای لاکان یکی دیگر از مواردی است که زندانیانی مانند فروغ از آن تجربه ناخوشایندی دارند: «غذا در زندان لاکان غذایی است که زندان می‌پزد و بین زندانی‌ها پخش می‌کند. کیفیت این غذا بسیار پایین است و حجم کمی هم دارد. خیلی وقت‌ها به‌ویژه برای شام زندانی‌ها سیر نمی‌شدند چون غذا به تعداد زندانی‌هایی که داخل هر سوئیت هستند، وجود نداشت. گوشت قرمز کلا در غذای زندان نیست. روزهایی که غذا مرغ باشد، مقدار مرغی که در هر قابلمه به هر سوئیت می‌دهند، واقعا اندازه کمی است و به هر زندانی میزان خیلی کمی می‌رسد. بقیه روزها تخم‌مرغ آب‌پز، سیب‌زمینی سرخ‌شده، عدسی، لوبیا و غذاهایی از این دست وجود دارد. یک‌سری غذاها با سویا درست می‌شود. چون آشپزخانه‌ای در کل بند نسوان وجود ندارد، زندان به زندانی‌ها جیره غذایی نمی‌دهد. اگر هم بخواهی مواد اولیه را از فروشگاه بخری، آشپزخانه‌ای برای درست‌کردن غذا وجود ندارد. به‌همین‌دلیل فروشگاه این کالاها را نمی‌آورد. اگر کسی نخواهد غذای زندان را بخورد، دو انتخاب دارد: تن ماهی که فروشگاه زندان می‌فروشد و دومی کالباس است که کالباس به‌شدت بی‌کیفیتی است. هیچ کنسرو دیگری در زندان وجود ندارد.

برای صبحانه دو هفته یک بار چیزهایی مثل پنیر و شکر و قند که جیره زندانی است را به هر اتاقی می‌دهند. جیره صبحانه هم کم است و باید دوباره از فروشگاه زندان خریداری کنند. حتی تخم‌مرغ هم در فروشگاه زندان به فروش نمی‌رسد. مواد غذایی مثل تخم‌مرغ که نیاز اولیه بدن است، در دسترس زندانی نیست.

بسیاری از زندانی‌ها مثل خود من به دلیل دیابت نمی‌توانند خیلی از غذاها را بخورند اما وقتی درخواست کردیم فروشگاه تخم‌مرغ آب‌پز بفروشد، رئیس بند نسوان مخالفت کرد. به دلیل محدودیت مواد غذایی و غذا طبیعتا اگر مدتی در این زندان حبس بکشی دچار سوءتغذیه می‌شوی».

در حسرت آب سالم

نبود آب آشامیدنی سالم یکی دیگر از مواردی است که زندانیان از آن شکایت دارند. به گفته زهره دادرس: «دو آب‌سردکن در بند بود. آب بو می‌داد و چند بار هم قطع شد و بارها تأسیسات برای تعمیرش آمده بود. آنهایی که شرایط مالی خوبی داشتند آب معدنی می‌خریدند و مصرف می‌کردند. ولی بیشتر افراد همان آب را برای آشامیدن استفاده می‌کردند».

آبی که بسیاری مجبورند حتی برای آشامیدن از آن استفاده کنند، مشکلات بسیاری را برای سلامت زندانیان به وجود می‌آورد. آن‌طور که فروغ می‌گوید: «آبی که در زندان لاکان وجود دارد، آبی نیست که مردم رشت از آن استفاده می‌کنند. آبی است که مختص زندان لاکان است. آب به شدت بوی بدی می‌دهد. نه تنها برای آشامیدن مناسب نیست بلکه اکثر زندانی‌های زن به خاطر آب دچار عفونت شدند. بعد از یک هفته استحمام با این آب دچار ریزش مو می‌شوید و آسیب جدی به مو می‌زند. این آب مناسب دست و رو شستن هم نیست. یک‌سری زندانی هستند در همان زندان که پول برای خرید آب ندارند. بنابراین از همان آبی که واقعا بوی بدی دارد و برای هیچ چیز مناسب نیست برای آب آشامیدنی استفاده می‌کنند و چون در زندان لاکان آشپزخانه و اجاق گازی وجود ندارد که بتوانید حداقل آب را بجوشانید، تنها امکان دسترسی به آب سالم خرید آب معدنی است».

در بخش‌نامه سازمان زندان‌ها به لزوم غربالگری و احراز شرایط پزشکی فوری متهم حین ورود به زندان از حیث جسمی و روانی تأکید شده و بر ضرورت عدم پذیرش زندانی دارای بیماری حاد یا مجروح و مصدوم و عودت به مراکز درمانی تا تثبیت شرایط او اشاره شده است.

در این بند حتی به مسئولان زندان‌ها این اجازه نیز داده شده که در شرایط حاد و اورژانسی، معطل اجازه واحد قضائی نشده بلکه ابتدا متهم به مراکز درمانی داخل یا خارج از زندان جهت مراقبت و نگهداری‌های پزشکی فرستاده شده و در حین یا پس از آن، وضعیت او به مقام قضائی اطلاع داده شود.

با این وجود اما شرایط رسیدگی به خدمات پزشکی در زندان لاکان شرایط دشواری است.

بنا بر گفته فروغ «بند زنان زندان لاکان یک بهداری کوچک دارد که یک پرستار در آن است. هفته‌ای یک روز یک پزشک عمومی به بهداری می‌آید. پزشک متخصص به زندان نمی‌آید. امسال یک دندان‌پزشک هم بود. این دندان‌پزشک یکی از زندانی‌های مالی بود که بعد از آزادی رأی کار گرفته بود، هفته‌ای یک روز می‌آمد به زندان و زندانی‌ها را ویزیت می‌کرد. دندان می‌کشید و درست می‌کرد. عصب‌کشی و پرکردن و اینها را هم انجام نمی‌داد. وضعیت پزشکی به این شکل بود. هیچ پزشک متخصصی به زندان نمی‌آمد در حالی که ما آنجا کلی بیمار با بیماری‌های خاص داشتیم. مثلا اکثر زن‌ها با مسئله عفونت درگیر بودند و پزشک متخصص زنان وجود نداشت. درخواست هم کرده بودند ولی خب فایده‌ای نداشت. برای یک‌سری آزمایشات با نامه به بیرون از زندان منتقل می‌شدند. هیچ امکانات پزشکی دیگری وجود نداشت».

ارتباط زندانی با خارج از زندان و با اعضای خانواده و وکیل از طریق تماس تلفنی و ملاقات‌های هفتگی بخشی از حقوق زندانیان است. تا سال ۹۸ هر کدام از سوئیت‌های بند زنان زندان لاکان دارای یک تلفن بود که با خرید کارت تلفن هر زندانی این امکان را داشت تا به مدت مشخص از این تلفن استفاده کند. شرایط اما حالا متفاوت است.

«سال ۹۸ هر کدام از این سوئیت‌ها یک تلفن داشت و تلفن کارتی بود. مثل همه زندان‌ها پول می‌دادی و کارت تلفن می‌خریدی و هر زندانی یک ربع وقت برای تماس داشت و کسانی هم که کارگاه می‌رفتند ۲۹ دقیقه وقت داشتند. برای کسانی که کارگاه نمی‌رفتند صبح وقت تلفن بود و کسانی که کارگاه می‌رفتند عصر وقت تلفن داشتند. اما سال ۱۴۰۲ که من دوباره به لاکان رفتم، پیمانکار تلفن که زندان با او قرارداد داشت با زندان لاکان به مشکل می‌خورد و کلا تلفن کارتی را حذف می‌کنند. در حال حاضر زندان لاکان یک دستگاه خط تلفن دارد که بین چهار سوئیت می‌چرخد. هر سوئیت وقت کمی دارد که از دستگاه تلفن استفاده کند. به هر زندانی پنج دقیقه وقت تماس داده می‌شود. این تلفنی که می‌چرخد دیگر پولی نیست و هزینه آن با زندان است و برای این هم کلی منت می‌گذارند. عملا زندانی‌ها برای تماس با خانواده و خصوصا وکیل دچار مشکلات زیادی هستند. چون در پنج دقیقه عملا هیچ‌گونه پیگیری حقوقی زندانی نمی‌تواند از داخل زندان انجام دهد و عملا کار را به مددکار می‌سپارد چون تقریبا تلفن ندارند. وضعیت تلفن در بند زنان لاکان واقعا نقض آشکار حقوق زندانی است».

در بخش‌نامه سازمان زندان‌ها به استانداردهایی درخصوص مساحت، ارتفاع اتاق‌ها، دسترسی به نور بیرون از زندان (پنجره)، وضعیت سرویس‌های بهداشتی، تهویه هوا متناسب با فصول سال، امکان مطالعه، ممنوعیت استفاده از رنگ تیره در دیوارها، فاصله سطوح کف و محل سرویس بهداشتی برای رعایت مسائل بهداشتی پرداخته شده است.

دسترسی به کتاب‌های مورد نیاز زندانیان اما در لاکان شبیه به رؤیاست.

زهره دادرس دشواری‌های دسترسی به کتاب را در زندان لاکان این‌گونه شرح می‌دهد: «اجازه ورود کتاب به زندان داده نمی‌شود. یک کتابخانه کوچک وجود دارد که در واقع نمازخانه هم بود. من آنجا رفتم. تعدادی کتاب بسیار محدود داشت. بخش اعظمش کتاب‌های مذهبی و کتاب دفاع مقدس و تعدادی رمان بی‌کیفیت بود. کتاب شعر هم که اصلا نبود. کتاب تاریخی و سیاسی هم همین‌طور. مسئول فرهنگی گاهی یک‌سری کتاب از کتابخانه عمومی شهر برای زندانی‌ها تهیه می‌کرد ولی آن کتاب‌ها هم کتاب‌های بی‌کیفیتی بودند. البته چند تا کتاب خوب هم دیده می‌شد که معلوم بود زندانی‌ها در دوران مختلف توانسته‌اند به زندان وارد کنند».

در مورد هواخوری و ورزش هم اوضاع چندان متفاوت نیست: «هر بند یک حیاط داشت که هر روز حدودا هفت تا هشت ساعت می‌شد به آن رفت. زندان لاکان کنار محل دفن و کمپوست زباله‌های سراوان است و برای همین بوی زباله همیشه بود و روزهای گرم که فاجعه بود و حتی توی بند هم نمی‌توانستی بو را تحمل کنی. کف حیاط کامل بتن شده بود. هیچ باغچه و سبزی و گیاهی در آن نبود، هیچ دستگاه و وسیله ورزشی‌ای هم آنجا نبود (سالن ورزش و سالن مطالعه و آشپزخانه و رختشوی‌خانه هم ندارد). یک روز توانستیم از نگهبان توپ پلاستیکی بگیریم ولی بازی که شروع شد گفتند سروصدا نکنید. ابعاد حیاط هر بند متفاوت بود. بند کانون یک حیاط خیلی کوچک و حدودا ۵۰ مترمربعی بود. هواخوری دو بند کوثر و شکیبایی هم که مشترک بود، حدودا ۲۰۰، ۳۰۰ مترمربع بود. در هر کدام از بندهای کانون و کوثر حدودا ۴۰ نفر مددجو بودیم».

پس از تأیید احکام فعالان گیلان در دادگاه تجدید نظر این فعالان برای اعتراض به شرایط زندان لاکان به دادگستری مراجعه کردند و با یکی از مسئولان بلندپایه دادگستری استان گیلان صحبت کردند.

به گفته فروغ سمیع‌نیا در این گفت‌وگو مسائلی مانند نبود آشپزخانه در زندان لاکان و باشگاه و کتابخانه مطرح شد. «به گفته این مقام مسئول، ساختمان جدیدی در حال احداث است که چهار برابر زندان قبلی است و آماده و تکمیل و در حال تجهیز است و همه این مسائل در آنجا حل خواهد شد. مسائلی که تا به حال وجود داشته به خاطر کمبود فضا بوده و در ساختمان جدید فضای به اندازه کافی برای حل این مسائل وجود دارد.

درباره جیره غذایی و جیره زندان هم قول پیگیری داده شده. درباره کتاب هم گفتند که این کار غیرقانونی است و زندانی باید به کتاب دسترسی داشته باشد. همچنین به ما قول دادند قاضی ناظر زندان هفته‌ای چند بار به زندان سر بزند و با زندانی‌ها گفت‌وگو کند».

سازمان ملل متحد در ضمن تلاش برای انسانی‌کردن عدالت جزایی و حمایت از حقوق بشر، به طور خاص به مسئله زندانیان و شیوه‌های مختلف حمایتی از آنان جهت رعایت حقوق انسانی و تضمین آزادی‌های اساسی آنها نیز در قالب تدوین اسناد و قطع‌نامه‌های متعدد پرداخته است. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به تصویب اعلامیه «اصول اساسی رفتار با زندانیان» اشاره کرد که در چهاردهم دسامبر ۱۹۹۰ طی قطع‌نامه شماره ۱۱۱/ ۴۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است.

ماده ۵ این اصل اساسی بهره‌مندی همه زندانیان از تمامی حقوق و آزادی‌های اساسی بشر را صرف‌نظر از محدودیت‌های ناشی از بازداشت مورد تأکید قرار داده است: «صرف‌نظر از محدودیت‌های ناشی از مسئله بازداشت، تمامی زندانیان از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل‌های اختیاری آن و دیگر حقوق مندرج در اسناد ملل متحد برخوردار خواهند بود».

وکلای پرونده فعالان زن گیلان در گفت‌وگو با «شرق»

تاریخ انشای رأی در پرونده گیلان همان روز جلسه دادگاه است

در خرداد ۱۴۰۳ براساس حکم شعبه ۱۱ دادگاه تجدیدنظر رشت احکام صادرشده برای فعالان حقوق زنان گیلان عینا تأیید شد. دادگاه تجدید نظر روز شنبه هشتم خرداد و دو ماه پس از اعلام رأی دادگاه بدوی این احکام را تأیید کرد.

براساس این احکام زهره دادرس به اتهامات تشکیل گروه با هدف برهم‌زدن امنیت ملی و اجتماع و تبانی به ۹ سال و شش ماه حبس محکوم شده است. فروغ سمیع‌نیا، سارا جهانی، یاسمین حشدری، شیوا شاه‌سیا، نگین رضایی، متین یزدانی، آزاده چاووشیان و زهرا دادرس نیز به اتهامات عضویت در گروه و اجتماع و تبانی هریک به شش سال و سه ماه و ۱۷ روز زندان محکوم شده‌اند. بر اساس این حکم هومن طاهری و جلوه جواهری نیز به اتهام تبلیغ علیه نظام هریک به یک سال زندان محکوم شدند. برای بررسی دقیق‌تر روند این پرونده و چرایی احکام صادرشده به سراغ دو نفر از وکلای پرونده رفتیم.

موکلین شما در پرونده گیلان چه کسانی بودند؟

زهرا مینویی: در پرونده گیلان، موکلین من خانم‌ها جلوه جواهری، مریم (فروغ) سمیع‌نیا و زهرا دادرس بودند. البته من پرونده خانم دادرس را فقط در مرحله تجدیدنظر داشتم.

مصطفی نیلی: من در این پرونده دو موکل داشتم، خانم جلوه جواهری که اتهامش تبلیغ علیه نظام بود و خانم فروغ سمیع‌نیا.

پرونده اکنون در چه مرحله‌ای است؟

زهرا مینویی: در حال حاضر آرای موکلین من قطعی و پرونده به اجرای احکام ارسال شده است. پرونده تازه به اجرای احکام رسیده و اجرای احکام باید احضاریه صادر کند برای موکلین و آنها را برای اجرای حکم بخواهد. هنوز احضاریه‌ای برای موکلین نیامده است.

مصطفی نیلی: دادگاه تجدیدنظر رأی دادگاه بدوی را تأیید کرده و پرونده به اجرای احکام ارسال شده است. هفته پیش سه‌شنبه اعلام وصول شده در اجرای احکام و الان در اجرای احکام ثبت شده است.

چه اتهاماتی متوجه فعالان است؟

زهرا مینویی: اتهام موکلم جلوه جواهری تبلیغ علیه نظام موضوع ماده ۵۰۰ قانون مجازات بوده است. اتهام خانم فروغ سمیع‌نیا عضویت در گروه، موضوع ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی و اجتماع و تبانی موضوع ماده ۶۱۰ بوده است. اتهام خانم دادرس هم مثل خانم سمیع‌نیا عضویت در گروه و اجتماع و تبانی بود. خانم‌ها سمیع‌نیا و دادرس از حیث اتهام عضویت در گروه به تحمل دو سال و هفت ماه و ۱۶ روز حبس تعزیری و از حیث اجتماع و تبانی جهت ارتکاب جرایم بر ضد امنیت داخلی کشور به سه سال و شش ماه و یک روز حبس تعزیری محکوم شدند. حبس قابل اجرا درباره موکلینم، سه سال و شش ماه و یک روز است. خانم جواهری هم باید یک سال حبس بابت اتهام تبلیغ علیه نظام را بگذراند.

مصطفی نیلی: اتهامات عضویت در گروه و اجتماع و تبانی را داشت. مانند هشت متهم دیگر این پرونده.

آیا به عنوان وکیل ایراداتی به مرحله بازداشت و صدور کیفرخواست وارد کردید؟

مصطفی نیلی: ما به هر حال صحبت‌هایمان را کردیم و دفاعیاتمان را انجام دادیم. در مورد دادگاه تجدیدنظر خیلی عجیب بود که پرونده خیلی سریع به محض اینکه رسید، بدون اینکه جلسه‌ای برگزار شود تأیید شد و هنوز رأی دادگاه تجدیدنظر به بنده به عنوان وکیل دو نفر از متهمان این پرونده رأی ابلاغ نشده است.

زهرا مینویی: از مرحله بازداشت تا مرحله دادسرا و صدور کیفرخواست به ما وکلا اجازه ورود ندادند. بنابراین در این مرحله ورود نداشتم که بتوانم ایراداتی را تشریح کنم.

اما روایت‌های متعددی از سوی موکلین شما در فضای مجازی درباره روند بازداشت منتشر شد...

زهرا مینویی: سازمان زندان‌ها بخش‌نامه تبیین حقوق بازداشت‌شدگان، رعایت کرامت و نحوه نظارت بر بازداشتگاه‌ها را در دی‌ماه ۱۴۰۰ صادر کرده است. در این بخش‌نامه بر حقوق متهمان از جمله تماس فوری متهم با خانواده، آموزش حقوق و تکالیف متهم به آنها، دسترسی سریع به پزشک در صورت نیاز، تشکیل پرونده سلامت پس از بررسی پزشک و روان‌شناس، گزارش رفتار غیرقانونی ضابطان در حین بازجویی به مراجع قضائی، وجود دوربین در همه اتاق‌ها و راهروها جهت نظارت بر رفتار ضابطان و در نهایت ممنوعیت ارتکاب رفتارهای سوء از قبیل تندخویی، رفتار و گفتار موهن و هرگونه آزار و شکنجه روانی و جسمی زندانیان و متهمان بازداشتی تأکید شده است. بنا بر اظهار موکلین که به هر حال روایاتشان این روزها منتشر شده، روند بازداشت و نگهداری موکلین در زندانی غیر از زندان لاکان و همچنین عدم تماس آنها با خانواده، بی‌خبری مطلقی که در روزهای اول بازداشت خانواده‌ها داشتند، نحوه بازداشت، نحوه بازجویی‌ها که به هر حال بدون حضور مأمور زن، با چشم‌بند و رو به دیوار بوده، همه برخلاف مفاد بخش‌نامه صادره توسط سازمان زندان‌ها و مفاد منشور حقوق شهروندی و قانون آیین دادرسی کیفری بوده که خود موکلین مفصل درباره‌اش توضیح دادند. لذا در بررسی روند بازداشت و بازپرسی موارد زیادی وجود دارد که برخلاف قانون بوده است. به عنوان مثال نگهداری متهم در سلول انفرادی طبق رأی شماره ۴۳۵ دیوان عدالت اداری ممنوع است. درخصوص خانم دادرس من امیدوارم با توجه به بیماری زمینه‌ای و نیاز مستمری که ایشان به درمان‌های دوره‌ای دارد، بتوانیم با مساعدت مقامات قضائی در اجرای احکام، اجرای حکم را متوقف کنیم.

مصطفی نیلی: در روند بازرسی و اجرای حکم آن‌طورکه موکلین اعلام کردند اقدامات غیرقانونی انجام شده است.

آیا شما به این روند اعتراض کردید؟

زهرا مینویی: متأسفانه به نظر می‌رسد لایحه تجدیدنظرخواهی ما وکلا مورد توجه دادگاه تجدیدنظر قرار نگرفت. وقت رسیدگی هم در مرحله تجدیدنظر تعیین نشد. ما اعاده دادرسی خواهیم کرد و امیدوارم در دیوان با حوصله و دقت به این پرونده رسیدگی شود. روال رسیدگی به این پرونده در مرحله بدوی و تجدیدنظر نشان می‌دهد روند رسیدگی بسیار شتاب‌زده بوده است. امیدوارم در دیوان عالی کشور تأکید ما بر ایرادات شکلی و تناقضات ماهوی دادنامه مورد توجه قرار گیرد.

کمی از روند قضائی توضیح دهید، آیا امکان ملاقات با موکلان یا حتی دسترسی به پرونده را داشتید؟

زهرا مینویی: این پرونده ۱۸ جلد است و وقتی ۱۸ جلد بعد از صدور قرار نهایی از دادسرا به دادگاه می‌رسد، انتظار می‌رود قاضی زمانی برای مطالعه پرونده در نظر گرفته باشد. با توجه به تعداد جلسات رسیدگی که قضات هر روز دارند، ظرف هشت روز وقت رسیدگی آن هم برای روز پنجشنبه و در زمانی که به دلیل برف و باران زیاد جاده‌ها بسته بود، تعیین شد. با وجود اینکه من و سایر وکلای این پرونده لایحه دادیم و تقاضا کردیم تاریخ جلسه تغییر کند و موکلین هم به‌صورت حضوری خواهش کرده بودند که با توجه به اینکه وکلا از تهران می‌آیند، روز رسیدگی تغییر کند اما مورد پذیرش قرار نگرفت. از سوی دیگر اینکه قاضی ظرف هشت روز بتواند ۱۸ جلد پرونده را برای جلسه رسیدگی مطالعه و بررسی کند، با توجه به فشار کاری که قضات دارند، کمی عجیب است. روز جلسه رسیدگی هم همکاران ما خواسته بودند وقتی داده شود برای ارائه لایحه ولی در کمال تعجب قاضی همان روز رأی داده است. یعنی تاریخ انشای رأی، همان روز جلسه دادگاه است. در واقع قاضی محترم بدوی به همان سه روز زمانی که خودشان برای ثبت لایحه به ما داده بودند هم توجه نکرده و تاریخ انشای رأی در پرونده همان روز است. این نشان‌دهنده یک رسیدگی شتاب‌زده است. وقتی پرونده به دادگاه تجدید نظر رسید هم ظرف چهار روز کاری و بدون جلسه، رأی تأیید شد. متأسفانه دادنامه صادره ایرادات و تناقضات فراوانی دارد.

چه ایراداتی؟

زهرا مینویی: بحث ایرادات مفصل است. به‌طورکلی باید گفت انتساب دو اتهام کاملا مشابه به یک یا چند رفتار محدود، خلاف موازین و اصول کیفری و به‌ویژه ماده ۱۳۱ قانون مجازات است. در این پرونده یک عمل واحد مصداق دو عنوان مجرمانه مجزا قرار گرفته است که اساسا و طبق رأی دیوان عالی کشور این دو اتهام قابل جمع‌شدن با هم نیست. در واقع در دادنامه مصادیقی که به عنوان مستند جرم قید شده؛ هم مصداق اتهام عضویت در گروه است و هم مصداق اجتماع و تبانی به قصد برهم‌زدن امنیت ملی. به عبارت دیگر یک عمل واحد مصداق دو عنوان مجرمانه قرار گرفته است، در حالی که دو اتهام مشابه به چند رفتار محدود و معدود، برخلاف اصول حقوق کیفری و ماده ۱۳۱ است. به عنوان مثال، مستند انتساب هر دو جرم به خانم دادرس صرفا حضور ایشان در تجمع مسالمت‌آمیز در مقابل آموزش و پرورش شهر رشت و اعتراض به مسمومیت‌های سریالی مدارس بوده است. اگر ما بخواهیم صرف شرکت در هر تجمع انتقادی را مصداق اجتماع و تبانی بدانیم این قاعدتا مغایر با اصل ۲۷ قانون اساسی است. بنابراین صرف حضور موکل در یک تجمع آموزش و پرورش نمی‌تواند مصداق ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی باشد. در واقع تمام علمای حقوق کیفری اتفاق نظر دارند که ماده ۶۱۰ اجتماع و تبانی در فرضی است که فعلی جز اجتماع و تبانی ارتکاب نیافته باشد. اگر فعل ارتکابی عنوان مستقل دیگری داشته باشد به همان عنوان رسیدگی می‌شود. این‌طور نیست که موکل برای قصدش مشمول ماده ۶۱۰ شود و برای فعلش مشمول ماده ۴۹۹. این بزرگ‌ترین تناقض و ایراد دادنامه است.

در دادنامه صادرشده یک عمل واحد برای تعدادی مصداق اجتماع و تبانی قید شده و همان عمل برای سایرین مصداق عضویت در گروه. با اینکه صرف عضویت در گروه بدون هیچ فعالیتی برای فردی جرم تعریف نشده است و برای فرد دیگری در همین پرونده در شرایط کاملا مشابه صرف عضویت در گروه مصداق دو عنوان مجرمانه است.

درباره موکلم خانم جلوه جواهری آنچه باعث بازداشت شده فرض تشکیل گروه توسط ایشان بوده و به همین دلیل حکم جلب صادر شده است. در حالی که بعد از رسیدگی متوجه شدند که خانم جواهری حتی عضو این گروه نبوده چه برسد به اتهام تشکیل گروه. بنابراین ایشان از عضویت و تشکیل تبرئه شده است. حکم جلب و بازداشت ایشان ناظر بر این اتهام بوده است. از سوی دیگر وقتی دادستان صرفا دستور بازداشت را راجع به یک اتهام مشخص داده، بازپرس نمی‌تواند شروع کند به جمع‌آوری ادله راجع به یک اتهام دیگر. وقتی که خانم جواهری از اتهام عضویت تبرئه شده، بدون ارجاع مستقیم دادستان اتهام تبلیغ علیه نظام به ایشان تفهیم شده است. البته از آنجایی که خانم جواهری در حال حاضر یک پرونده باز دارد ولی در آن پرونده هنوز حکمی صادر نشده، در یک اقدام عجیب قاضی فرض گرفته که موکل من در آن پرونده حتما محکوم می‌شود؛ پس ایشان را دارای سابقه فرض کرده و درباره اتهام تبلیغ علیه نظام اشد مجازات یعنی یک سال حبس را در نظر گرفته است. در حالی که طبق قانون اگر قاضی بخواهد درباره یک متهم اشد را حکم بدهد، باید دلیل داشته باشد. اینکه ممکن است در یک پرونده دیگر ایشان به حبس محکوم شود پس دارای سابقه است، نمی‌تواند دلیل محسوب شود.

اما این روزها درباره وضعیت عمومی زندان لاکان هم گزاره‌هایی مطرح می‌شود، آیا وضعیت بندهای مختلف این زندان متفاوت است؟ شما چه روایت‌هایی از وضعیت داخلی زندان شنیدید؟

مصطفی نیلی: با موکلین و دیگر متهمین این پرونده که من صحبت کردم، من قبلا هم موکلینی در این زندان داشتم. خانم آتنا دائمی از موکلین من قبلا در این زندان بودند. شرایط و امکانات را توصیف هم کرده‌اند. شرایط سخت بود. محدودیت‌ها و سختگیری‌های روی بچه‌های سیاسی خیلی بیشتر بود ولی برای زندانیان عادی هم همین‌طور. خود من هم یک بار ملاقات رفتم فضای زندان و شرایط و امکانات خیلی کم بود. به هر حال زندان قدیمی است و شرایطش شرایط خوبی نیست.

ما آیین‌نامه سازمان زندان‌ها را داریم که حق و حقوق زندانی و امکاناتی که باید در اختیارشان قرار بگیرد و شرایطی که زندان باید داشته باشد را مشخص کرده است. می‌شود به عدم اجرای آیین‌نامه اعتراض کرد. امکان شکایت یا پیگیری‌اش از طریق مراجع قانونی هم هست یا به نهادهای نظارتی یا به دادستان و مقام‌های قضائی و به خود سازمان زندان‌ها، به ریاست سازمان زندان‌ها در تهران، به واحدهای بازرسی هم زندانیان می‌توانند این شکایات را بکنند. این را که چقدر می‌توانند اثرگذار باشند، کسی نمی‌تواند قطعی بگوید که آیا این روش‌های قانونی اگر پیگیری بشود نتیجه‌ای خواهد داد یا خیر. تجربه‌ای که خود من در زندان داشتم و دیگر دوستان در این سال‌ها داشتند این است که به هر حال شکایت و کمی مذاکره و توانمندی برای مذاکره می‌تواند بخشی از این مشکلات را حل کند.

گزارش

افزایش «آلاینده تابستانه» در هوای تهران

ایسنا: رئیس پژوهشگاه هواشناسی و علوم جو گفت: در هفته‌های اخیر با افزایش دمای هوا، غلظت آلاینده ازن که به آلاینده تابستانه معروف است، در پایتخت طی ساعات گرم روز در شرایط ناسالم قرار گرفت. با توجه به روند افزایشی دما در فصل جاری، پیش‌بینی می‌شود همچنان با روند فزاینده آلاینده ازن مواجه باشیم.

مهدی رهنما افزود: ازن (O3) موجود در لایه استراتوسفر جو به‌عنوان لایه محافظ در برابر تابش اشعه فرابنفش عمل می‌کند و کاهش غلظت ازن در این لایه اثرات زیانباری برای ساکنان کره زمین خواهد داشت. نوع دیگر ازن در لایه تروپوسفر یا سطح زمین وجود دارد که افزایش غلظت آن برای سلامت انسان مضر است؛ چراکه سیستم ایمنی بدن به‌ویژه دستگاه تنفسی را به‌شدت درگیر می‌کند و عملکرد ریه در مقابله با ازن کاهش می‌یابد. بر اساس نتایج یک پژوهش انجام‌شده در اروپا، به ازای ۱۰ میکروگرم بر مترمکعب افزایش مقدار ازن، ۰.۴ درصد حملات قلبی بیشتر می‌شود و ۰.۳ درصد مرگ روزانه بر اثر این آلاینده جوی افزایش می‌یابد. رئیس پژوهشگاه هواشناسی و علوم جو با بیان اینکه آلاینده ازن بر اثر یک عمل فوتوشیمیایی تولید می‌شود، اظهار کرد: ازن یک آلاینده ثانویه است. با افزایش هم‌زمان اکسیدهای نیتروژن (NOx) در سطح زمین و شدت و مدت زمان تابش نور خورشید، فعل و انفعالی شیمیایی رخ می‌دهد و ازن (O3) تولید می‌شود که خاصیت اکسیدکننده بسیار قوی دارد. وی افزود: میزان غلظت اکسیدهای نیتروژن (NOx) در طول شبانه‌روز متغیر است. روزها معمولا مقادیر اکسیدهای نیتروژن بیشتر است و با نزدیک‌شدن به شب میزان آن کاهش می‌یابد. طبق مطالعات انجام‌شده، معمولا میزان انتشار اکسیدهای نیتروژن از ساعت شش تا ۱۲ به علت فعالیت‌های روزانه و حجم ترافیک افزایش می‌یابد. با توجه به وابستگی تولید ازن به تابش خورشید و افزایش دما، غلظت‌های حداکثر ازن در بعدازظهر رخ می‌دهد.

رئیس پژوهشگاه هواشناسی و علوم جو اضافه کرد: آلاینده ازن به‌طور کلی یک آلاینده تابستانه محسوب می‌شود. بر اساس منابع علمی مختلف، غلظت‌های حداکثر ازن در سطح زمین حدود دو تا سه ساعت دوام دارد. رهنما در زمینه منابع انتشار اکسیدهای نیتروژن اظهار کرد: بیشترین تولیدکننده این آلاینده سیستم حمل‌ونقل عمومی است؛ چراکه احتراق ناقص در موتورهای وسایل نقلیه عمومی و شخصی صورت می‌گیرد و باعث تولید آلاینده‌هایی مانند دی‌اکسید نیتروژن می‌شود. حمل‌ونقل عمومی، نیروگاه‌ها، صنایع و منابع ثابت خانگی در زمینه انتشار ناکس مؤثر هستند.

۲۰ تا ۳۰ درصد منابع آلاینده هوای شهری، منابع ثابت هستند که ازجمله آنها می‌توان به موتورخانه‌های ساختمان‌ها اشاره کرد که بسیاری از آنها به صورت ناقص سوخت را مصرف می‌کنند، بنابراین می‌توانند موجب تولید اکسیدهای نیتروژن شوند. وی درباره راهکارهای کاهش آلاینده ازن گفت: اقدامات کنترلی برای کاهش غلظت ازن تروپوسفری عمدتا بر انتشار پیش‌سازهای ازن نظیر اکسیدهای نیتروژن متمرکز است. استفاده از فناوری‌هایی که باعث تولید و انتشار کمتر اکسیدهای نیتروژن می‌شوند، مانند بهره‌گیری از سیستم حمل‌ونقل عمومی مبتنی بر فناوری‌های روز دنیا، استفاده از انرژی‌های پاک نظیر انرژی خورشیدی و تجدیدنظر در نحوه طراحی ساختمان و ابنیه ثابت با نگاه تمرکزگرایی در تأسیسات تأمین گرمایش و سرمایش می‌تواند باعث کاهش تولید اکسیدهای نیتروژن در بلندمدت شود. رئیس پژوهشگاه هواشناسی و علوم جو با بیان اینکه لازم است برنامه‌های کوتاه‌مدت برای کاهش آلاینده ازن داشته باشیم، اظهار کرد: به‌عنوان نمونه اعلام و هشدار به‌موقع به مردم درباره این آلاینده مهم است تا در ساعات افزایش غلظت اکسیدهای نیتروژن و به تبع آن ازن، حضور در فضای باز را کاهش دهند و حداقل از قرارگیری کودکان -که آسیب‌پذیرترین قشر در برابر ازن هستند- در خارج از فضای بسته خودداری کنند. رهنما در پایان درباره اطلاق اصطلاح «آلاینده لس‌آنجلسی» به ازن تصریح کرد: این اصطلاح در منابع و اسناد هواشناسی ذکر نشده است و استفاده از آن نمی‌تواند بیانگر نوع آلاینده و اثرات مرتبط با آن باشد. با توجه به منابع علمی بیشترین غلظت ازن در عرض‌های جغرافیایی محدوده ۲۰ تا ۶۰ درجه شمالی است که بیشترین مقدار آن در محدوده قاره اروپا ثبت شده است. البته در غرب قاره آفریقا در محدوده ۵ تا ۳۰ درجه جنوبی نیز مقادیر بالای ازن اندازه‌گیری شده است. لذا بهتر است از اصطلاح آلاینده لس‌آنجلسی به عنوان معرف آلاینده ازن استفاده نشود.

پیش‌تر مدیر واحد پایش شرکت کنترل کیفیت هوای تهران گفته بود: فصل بهار امسال در شرایطی به پایان رسید که با وجود بهبود نسبی کیفیت هوای تهران در ماه‌های فروردین و اردیبهشت، آلاینده ازن به‌عنوان آلاینده‌ای ثانویه، متهم ردیف اول آلودگی هوای پایتخت در خرداد بود. سولماز احدی با استناد به اطلاعات دریافتی از ایستگاه‌های سنجش کیفیت هوای پایتخت افزود: در بهار امسال، تنها یک روز هوای تهران برای همه شهروندان و ۱۰ روز برای گروه‌های حساس ناسالم بود. وی با اعلام اینکه علت آلودگی تمام روزهای آلوده بهار امسال، افزایش آلاینده ازن بود، گفت: کیفیت هوای دو ماه نخست سال جاری، بدون حتی یک روز آلوده در وضعیت مطلوب قرار داشت. احدی از ۳۰ خرداد به‌عنوان آلوده‌ترین روز بهار امسال با شاخص ۱۵۶ نام برد و افزود: علت این موضوع، تداوم موج گرما از چند روز قبل همراه با تجمع و افزایش پیش‌سازهای تولید آلاینده ازن بود. مدیر واحد پایش شرکت کنترل کیفیت هوای تهران با اشاره به اینکه در بهار سال گذشته کیفیت هوای تهران ۹ روز برای گروه‌های حساس ناسالم بود که به‌جز آلاینده ازن، آلاینده‌های ذرات معلق کوچک‌تر از ۲.۵ میکرون و کوچک‌تر از ۱۰ میکرون نیز در برخی روزها فراتر از حد مجاز بودند، اظهار کرد: در بهار سال گذشته چهار روز آلاینده ذرات معلق کوچک‌تر از ۲.۵ میکرون و یک روز آلاینده ذرات معلق کوچک‌تر از ۱۰ میکرون در شرایط ناسالم برای گروه‌های حساس قرار داشتند و دو روز هم‌زمان بیش از یک آلاینده در محدوده نامطلوب قرار داشتند. وی با اشاره به اینکه هم‌زمانی وقوع شرایط آلوده برای بیش از یک آلاینده در بهار سال جاری وجود نداشته است، اظهار کرد: در این بازه به‌جز آلاینده ازن، سایر آلاینده‌ها ازجمله آلاینده‌های ذره‌ای در وضعیت مطلوب قرار داشته‌اند که این امر نشان‌دهنده آن است که کیفیت هوا از منظر آلاینده‌های ذره‌ای شامل ذرات معلق کوچک‌تر از ۲.۵ میکرون و کوچک‌تر از ۱۰ میکرون در بهار سال جاری مطلوب‌تر از مدت مشابه سال ۱۴۰۲ بوده است.